



تعاریف متفاوت خوشبختی از دید غرب و اسلام/ سعادت انسان در شکوفایی انسانیت است

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه بزرگترین خوشی و سعادت انسان لقاء الله است و هیچ چیزی با آن برابری نمی کند...

محمدرضایی در گفتگو با مهر:

تعاریف متفاوت خوشبختی از دید غرب و اسلام/ سعادت انسان در شکوفایی انسانیت است

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه بزرگترین خوشی و سعادت انسان لقاء الله است و هیچ چیزی با آن برابری نمی کند، گفت: پیامبران الهی هم آمدند تا انسانها را از ظلمت به سوی نور هدایت کنند. لقاء الله هم با اطاعت از خداوند و تخلق به اخلاق الهی حاصل می شود. دکتر "محمد محمدرضایی" استاد دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سؤال که اصولاً خوشبختی به عنوان دغدغه انسان امروز چگونه تعریف می شود و چگونه به دست می آید؟ گفت: خوشبختی همواره دغدغه همه انسانها در طول تاریخ بوده و انسانها دوست داشتند در دنیا سعادتمند شوند، البته کسانی که به آخرت اعتقاد داشتند دوست داشتند به گونه ای زندگی کنند که هم سعادت این دنیا و هم سعادت آخرت را تأمین کنند.

وی با بیان اینکه ما معتقدیم فطرت انسانها، فطرتی الهی است و همواره خداوند معرفت و عشق به خودش را در فطرت انسانها سرشته است، افزود: انسانها طالب خداوند هستند و عشق به خدا می ورزند و کمال نهایی همه آمال بشری کمال مطلق است که خداوند هست. حضرت امام(ره) تعبیری داشت و می فرمود: 171#& همه انسانها هر چه را که بطلبند در واقع جویای کمال مطلق هستند البته در مصداق اشتباه کرده اند؛ مثلاً یکی کمال مطلق را پول و دیگری در لذت و کسی هم در قدرت و ... می داند. همه آنها دنبال کمال هستند و وقتی به کمال رسیدند فکر می کنند که نقصی در آنها هست و عطش آنها را سیراب نمی کند و دنبال چیز برتری هستند. در واقع این عشقی است که خداوند در نهاد انسانها گذاشته که به دنبال کمال مطلق باشند و به حسب درجات فهم و تربیتشان ممکن است چیزهای را خوشبختی بدانند و غایت رفتار خودشان بدانند که در واقع بعد از مدتی پی می برند که اشتباه است.

این محقق و نویسنده کشورمان با اشاره به اینکه به طور کلی انسانها در طول تاریخ به دنبال چیزهای مختلفی بودند، اظهار داشت: بعضی ها دنبال لذت هستند، یعنی مکتب لذت گرایی وجود دارد که معتقد است هر چیزی که باعث لذت ما بشود خوب است و هر چیزی که باعث رنج و الم ما بشود، بد است، لذا در واقع سعادت و خوشبختی را به لذت تعبیر می کردند.

محمدرضایی با اشاره به اینکه البته مصادیق لذت متفاوت است، بیان کرد: بعضی ها قدرت را مظهر کامل لذت می دانستند، برخی ها آن را در خوردن و بعضی هم در تفریح می دانستند. لذت گراها وقتی به دیگران احترام می گذاشتند و حقوق دیگران را رعایت می کردند که منتهی به لذت خودشان شود اگر هم می خواهند به دیگران کمکی بکنند به خاطر این است که باعث لذت آنها می شود. در واقع تنها چیزی که برای اینها قابل قبول است لذت خودشان است.

عضو هیئت علمی پردیس قم دانشگاه تهران با اشاره به اینکه آنچه که لذت گراها از آن اکراه دارند درد و رنجی است که حاصل می شود، اذعان کرد: چون بعضی از مردم به دنبال کسب لذت هستند و برخی از لذتهای سطح پائین را نهایت لذت می دانند. علت این امر این است که چون آدمها احاطه علمی به تأثیر و تأثرات روابط و اعمال انسانها بر یکدیگر ندارند، ممکن است کاری را لذت بدانند ولی در نهایت به الم و رنج او منتهی شود.

وی افزود: خداوند در قرآن می فرماید ما علم اندکی به شما دادیم، چه بسا شما چیزی را بد می دانید اما در واقع خیر برای شماست و شاید چیز خیری برای شما بد پنداشته شود. چون ما احاطه علمی نداریم باعث می شود که علم ما ناقص است. در محاسبه اشتباه می کنیم، لذا می بینید که خیلی از افراد پشیمان می شوند. پشیمانی دلالت بر این می کند که واقعاً نتوانستیم تشخیص دهیم که چیزی باعث لذت و نفع و ضرر ماست. نکته دیگری هم وجود دارد و آن این است که در واقع بعضی از کارهایی را که باید در آن تصمیم بگیریم برای اینکه محاسبه ما خیلی طول می کشد و با توجه به علم اندکی که داریم دقیقاً نمی توانیم بگوئیم که این کار به نفع یا ضرر ماست، لذا سالها طول می کشد و بعد می فهمیم که اشتباه کردیم.

وی با اشاره به اینکه این یکی از اشتباهات و اشکالات است که به خاطر تناقضات درونی شکل می گیرد، گفت: در واقع لذت گرایی یا به تعبیر کسانی که خودگرا هستند در حوزه مشورت، قضاوت و تربیت ارزش خودشان را از دست می دهند، مثلاً شما برای مشاوره نزد کارشناس می روید. وضعیت خود را ترسیم می کنید و دوست دارید آنچه که به نفع توست در اختیار تو قرار دهد؛ یعنی در اثر مشورت می خواهید راه حلهایی را در اختیار شما قرار دهد. اگر کارشناس جزو گروه اصالت لذت یا نفع گرا باشد در این مشورت به گونه ای

رفتار می کند که به نفع و سود او تمام شود، یعنی در واقع او باید سخنان فریب آمیزی را به شما بگوید و به عوض نفع شما، نفع خود را در نظر بگیرد و بنابراین نمی توان به او اعتنا کرد.

وی با اشاره به اینکه لذتهای برتری در انسان وجود دارد، تصریح کرد: عبادتی که انسانها در برابر خداوند انجام می دهند لذتی دارد که برخی از افراد از درک آن عاجز هستند. لذتی که امام علی(ع) از عبادت خدا کسب می کرد با هیچ چیزی عوض نمی کرد. لذتها مراتب مختلفی دارند. شاید حتی پیروان مکاتب لذت گرایی بگویند که اینها برای ما لذت ندارد.

وی با اشاره به اینکه مکتب دیگری که در این بحث ورود می کند سودگرایی است، بیان کرد: ما در دنیا و جهان غرب مشاهده می کنیم که سودگرایی در منش مردم تأثیر دارد. بعضیها خوشبختی را در سودگرایی می دانند. خوشبختی را در نفع و سود خودشان می دانند اما این نفع ممکن است اعم از لذت باشد، ولی یکی از نظریات غایت گرایانه هست که عمل را در ارتباط با غایت مورد بررسی قرار می دهد یعنی در واقع عمل موقعی ارزش دارد که غایت خوبی برای من داشته باشد و خوب را به سود تعبیر می کنند.

وی تأکید کرد: سودگرایی معتقد است، در صورتی یک عمل درست است که بیشترین خیر و سود را برای ما داشته باشد، البته این موضوع مشکلات زیادی داشته است و بعضی ها این اصل را توسعه دادند و گفتند: بیشترین سود را برای بیشترین تعداد آدمی داشته باشد و امروزه این دیدگاه، دیدگاه شایعی است که در جهان غرب وجود دارد و این نظریه در واقع نظریه ای نتیجه گراست و سود و نفع را ذاتا خوب می کند و هر چیز دیگر نظیر پول، رفاقت، مادیات و ... را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به سود یا خوشی به نحو ابزاری خوب می داند.

محمدرضایی بیان کرد: براساس این دیدگاه سودگرایانه اساسی ترین اصل رفتار آدمی این است که بیشترین سود را برای بیشترین افراد ایجاد کنید که در نهایت سود به خود شما بر می گردد. این دیدگاه مزایا و معایبی دارد. اولین مزیت این دیدگاه این است که همگان خواهان آن هستند یعنی در واقع خیلی از افراد دنبال این هستند که خوشی و سود خودشان را در نظر می گیرند، یعنی می خواهند خوشی و سود خود را در نظر بگیرند. سعادت روشن است و قاعده ای دارد هر چیزی که سود شما در آن است را دنبال کنید. اینها یک نوع رفتار دموکراسی است و هر کسی خوشی را در چیزی می داند و دنبال آن است.

وی با اشاره به اینکه خوشبختی بر پایه سود و یا لذت مبتنی بر دین و اعتقادات دینی ما نیست، گفت: البته برخی ها این را مزیت دانستند که به نظرم تمام اینها معایبی است که این نظریه دارد. اشکالاتی که در مورد این نظریه می توان برشمرد همان محاسبه لذت است؛ یعنی می بینید که اشکالاتی اساسی دارد، اگر لذت و سود را با هم یکی بدانید این به یک سری کارهای نابهنجاری منتهی می شود مثلاً کسانی که قتل و غارت انجام می دهند و از شکنجه و تجاوز به حقوق دیگران لذت می برند و نفع خودشان را در آن می پندارند اینها براساس چنین مکتبی کارشان توجیه می شود.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش تصریح کرد: آمریکا در جنگ جهانی دوم صدها هزار نفر را با بمب اتمی به کشتن داد و انسانهای بی گناه زیادی را کشت، ولی برایشان قابل توجیه است چون نفع آنها در این مسأله بوده است. عدالت و انسانیت و حقوق دیگران وقتی برای اینها ارزش دارد که سود آنها را تأمین کند. امروزه کشورهای غربی از دموکراسی، آزادی و عدالت و ... سخن می گویند، اما اینها را به نفع خودشان می گویند. تا زمانی اینها برایشان مهم است که سود آنها در آن باشد و این افراد در واقع دیگران را به حساب نمی آورند که بیشتر خودگرا هستند و مبتنی بر یک دیدگاه خودگرایانه هستند. اینها معتقدند هر کاری که برایشان مفید باشد و سود داشته باشد عمل را مورد دقت و بررسی قرار می دهند و محاسبه می کنند تا ببینند سود آنها در این هست یا نیست.

وی با بیان اینکه سودگرایی به اعمال ظالمانه ای منجر می شود، گفت: مشکلی که این مکاتب دارند این است که به دنبال نفع و سود خود هستند. بزرگترین خوشی و سعادت لقاء الله است که اگر آن را درست درک کنیم و بفهمیم که هیچ چیزی با آن برابری نمی کند، لذا پیامبران الهی هم آمدند تا انسانها را از ظلمت به سوی نور هدایت کنند. لقاء الله هم جز با اطاعت از خداوند و تخلق به اخلاق الهی حاصل نمی شود. خوشبختی به این است که انسانیت انسان شکوفا شود. ما می خواهیم انسانی با فضائل باشیم نه اینکه در حد حیوان خودمان را تنزل دهیم و به لذتهای پست و فرومایه محدود شویم که اگر کنترل نشود ما را در حد حیوانات پست تنزل می دهد و چیزی از خصائل انسانی در وجود ما مشاهده نمی شود.

وی در مورد اینکه چرا بیشتر جوانان امروز خوشبختی را در مسائل مادی می دانند، گفت: این امر به تربیت آنها بر می گردد. جوانها باید الگو داشته باشند تا از آن تبعیت کنند. حضرت امام(ره) تأکید داشتند که روحانیون زی طلبگی خود را حفظ کنند. آنچنان نشود که آنچه را که ما می گوئیم در رفتار ما نباشد و به گونه ای دیگری عمل کنیم. از زهد صحبت کنیم اما در عمل رفتار دیگری داشته باشیم. مربیان در تربیت جوانها خیلی نقش دارند. الگوهای مناسبی داریم که باید برای جوانها معرفی شوند.